



## معنا شناسی خشونت های ضد شیعی در پاکستان

پدیدآورده (ها) : جمالی، جواد  
علوم سیاسی :: مطالعات راهبردی جهان اسلام :: بهار 1388 - شماره 37  
از 123 تا 144  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1192105>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 01/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## معناشناسی خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان

جواد جمالی\*

### چکیده

هم‌زمان با گسترش دامنه بحران در بخش‌های وسیعی از پاکستان، شیعیان این کشور شدیدتر از گذشته آماج حملات افراط‌گرایان واقع می‌شوند. ورای بحران جاری، خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان در چند دهه اخیر روندی مداوم داشته است. هدف از «جنگ دایم» علیه شیعیان پاکستان چیست؟ با ورود گرایش‌های سلفی - وهابی به مناطقی از پاکستان در اوایل دهه ۱۹۸۰، آموزه‌های فکری - ایدئولوژیک آن، بستر فرهنگی - اجتماعی مساعدی برای رشد و گسترش پیدا کرد. تلفیق باورهای تندروانه مذهبی با عناصر سلحشوری و سنن خشک و سخت‌گیرانه قبایل پشتون موجب خلق «فرهنگ خشونت» در پاکستان شد که امروز در راستای اهداف راهبردی بازیگران فرامنطقه‌ای به کار می‌رود. تلاش «اسلام انگلیسی» برای «وهابیزه کردن» و «طالبانیزه کردن» پاکستان، با مانعی بزرگ چون «منطق شیعی» مبتنی بر میانه‌روی و اعتدال مواجه است. از این رو، تضعیف و انزوای گرایش‌های اسلامی میانه‌رو اعم از شیعه و سنی در دستورکار «افراط‌گرایی» در پاکستان قرار گرفته است. متن حاضر به واکاوی و استعاره‌شناسی این روند می‌پردازد.

---

\* کارشناس مسائل شبه‌قاره

## مقدمه

با گسترش اسلام به شرق، شبه‌قاره هند در منتهی‌الیه حوزه شرقی تصرفات امپراتوری اسلامی واقع شد و لشکریان اسلام با گذر از ایران و سند وارد مناطقی وسیع از غرب و شمال شبه‌قاره شدند. در اوایل قرن هشتم میلادی و پس از آن به تدریج مناطق سند کنونی تحت سیطره قدرت اسلامی قرار گرفت. با اتکا به آرای مورخان می‌توان تعاملات تجاری - اقتصادی را نخستین بستر «انتقال فرهنگی» و ورود اسلام به شبه‌قاره دانست. باور بر این است که قبل از حمله نظامی محمد بن قاسم در سال ۷۱۱ م (۹۴ هـ ق) آیین اسلام ابتدا توسط بازرگانان مسلمان به شبه‌قاره وارد شد. لذا قبل از فتح نظامی دره سند، اسلام در ابعادی محدودتر به شبه‌قاره راه یافته بود.

تداوم ارتباط فرهنگی بین دو تمدن اسلامی - هندویی با اعزام مبلغان مذهبی و گسترش روابط تجاری - بازرگانی، موجب نضج و تثبیت باورهای اسلامی در شبه‌قاره شد.

هم‌زمان با ریشه دواندن آیین اسلامی در شبه‌قاره، باورهای شیعی نیز به روش‌های گوناگون وارد آن منطقه شد و به سرعت فراگیر و پرنفوذ شد. تاریخ ورود تشیع به پاکستان را به دوران خلافت حضرت علی (ع) نسبت می‌دهند. سند از نخستین مناطق شبه‌قاره است که ارادتمندان امام علی (ع) در آنجا حضور یافتند. تشیع به تدریج و پیوسته وارد شبه‌قاره شد. علویان نخستین پناهندگانی بودند که به علت آزار حاکمان اموی و عباسی در جست‌وجوی مأمن به مناطق دوردست سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کردند. گروه‌های مختلف شیعه در ابتدا با تکیه به نام مسلمان وارد هند شدند، اما بعدها با مهاجرت علمای شیعه از ایران به این سرزمین تجمعات و مناطق شیعی پراکنده‌ای شکل گرفت. با این حال، در مقاطعی از تاریخ، شیعیان به قدرت سیاسی دست یافتند و توانستند حکومت‌هایی محلی تأسیس کنند و همین مسأله سبب تداوم حیات تشیع شد.

تشیع کنونی در پاکستان حاصل پروسه‌ای تاریخی - سیاسی است که به تدریج موجب تثبیت فرهنگ و افکار شیعی در شبه‌قاره شد. در حال حاضر، پاکستان و هند شرقی‌ترین مناطق ژئوپولیتیک شیعه را در اختیار دارند.

به دنبال تقسیم شبه‌قاره در ۱۹۴۷، مشخص شد شیعیان به صورت بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی درون اکثریت سنی مذهب پاکستان باقی خواهند ماند. با قرار گرفتن پاکستان در حوزه راهبردهای امنیتی - سیاسی غرب، تمایزها و اختلاف‌های مذهبی - فرقه‌ای در پاکستان تشدید شد و همزیستی مسالمت‌آمیز تاریخی شیعه و سنی در شبه‌قاره به مخاطره افتاد. در حال حاضر با روند رو به تزاید افراط‌گرایی سلفی و تکفیری در جنوب آسیا، آینده شیعیان پاکستان بیش از هر زمان دیگری با چالش روبه‌روست. تشدید خشونت‌های فرقه‌ای ضد شیعی مهم‌ترین محور این چالش‌ها خواهد بود.

حال سؤال اصلی این است که «هدف از تداوم و تشدید خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان به ویژه مناطق پاراچنار چیست؟» این پژوهش با توجه به نهادینه شدن فرهنگ خشونت در مناطقی از پاکستان، این فرضیه را در جواب سؤال اصلی پژوهش ارائه می‌دهد: «عناصر برون‌سیستمی (دولت‌های خارجی) با مداخله در صحنه تعاملات فروملی پاکستان، در پی آن هستند که با استفاده از فرهنگ خشونت و جهت‌دهی خشونت‌ها علیه شیعیان پاکستان، «هویت جمعی» افراط‌گرایان این کشور را تقویت کنند و در راستای اهداف راهبردی منطقه‌ای خود از آن بهره‌گیرند.» در این نوشتار ماهیت رفتار بازیگران خارجی در پاکستان واکاوی خواهد شد.

### فرهنگ خشونت و خشونت فرهنگی

«خشونت» و «پرخاشگری» از ویژگی‌های رفتاری اجتماعات بشری محسوب می‌شوند که همانند شخصیت افراد، چندلایه و مرکب‌اند. افراد خشن و ستیزه‌جو همواره توجه کافی برای رفتار خود می‌یابند یا به روش‌های مختلف برانگیخته می‌شوند. طبق مبانی زیست‌شناختی، خشونت «نشان دادن واکنش خشونت‌آمیز در برابر پیرامون است که از ویژگی‌های موجود زنده برای حفظ بقا محسوب می‌شود»<sup>۱</sup>. براساس نظریات روان‌شناختی، خشونت واکنشی است که موجود زنده در برابر ممنوعیت هریک از غرایز طبیعی خود نشان می‌دهد. بر مبنای تحلیل‌های جامعه‌شناختی، عامل اصلی تولید خشونت «محرومیت نسبی» و توقعات فزاینده است. در این‌گونه تحلیل‌ها تأکید می‌شود خشونت گسترده سیاسی زمانی به وجود می‌آید که پس از دوره‌ای طولانی از رشد اقتصادی و اجتماعی، ناگهان دوره کوتاه رکود بروز کند. هریک از ریشه‌ها و علل خشونت، بسیار پرحاشیه و دارای مباحثی گسترده است، اما متناسب با محور اصلی این پژوهش که خشونت فرقه‌ای است، بررسی ریشه‌های فرهنگی پرخاشگری برای تئوریزه کردن این تحلیل مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

هریک از نظریات مختلف که اقدام به بررسی و تحلیل رفتار خشونت‌بار کرده‌اند، بر یکی از ابعاد و جوانب زندگی انسانی تأکید می‌کنند. به نظر می‌رسد دو عنصر اصلی محرک پرخاشگری در جامعه پاکستان «ناکامی» و «فرهنگ خشونت» هستند که عنصر نخست، تسریع‌کننده و دومی، بستر پایدار و نهادینه‌شده خشونت در پاکستان است. ابتدا به اختصار نظریه «ناکامی - پرخاشگری» بیان و سپس به فرهنگ خشونت به تفصیل پرداخته می‌شود.

نظریه «ناکامی - پرخاشگری»<sup>\*</sup> در سال ۱۹۳۹ در نظریات جان دولارد و دوب در دانشگاه ییل ارائه شد.<sup>۲</sup>

براساس این نظریه، رفتارهای پرخاشگرانه در نوعی ناکامی ریشه دارند که علت آن محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. «لذا بروز رفتار پرخاشگرانه همیشه از قبل مستلزم وجود ناکامی است و برعکس»<sup>۳</sup> هم‌چنین رفتار پرخاشگرانه همواره با «صدمه زدن» به دیگران همراه است. در تعریفی ساده، پرخاشگری عبارت است از: «صدمه زدن به خود یا دیگران با قصد و نیت قبلی»<sup>۴</sup>. بر این اساس، هرگونه تهاجم فیزیکی ارادی ممکن است موجب آسیب‌رسانی شود که احتمالاً یکی از علل اساسی آن ناکامی و محرومیت است. پاسخ‌هایی که گروه‌ها به وضعیت‌های ناکام‌کننده می‌دهند، احتمالاً با توجه به ارزش‌های فرهنگی گروه‌های مختلف درون ساختار اجتماعی تغییر می‌کند و شاید سبب شکل‌گیری مجموعه کاملی از عوامل اجتماعی خارجی با شرایط روانی درونی شود. در معنای دقیق‌تر، ناکامی موجب تحریک پاسخ‌های گوناگونی می‌شود که یکی از آنها ممکن است پرخاشگری باشد. بنابراین، خشونت علاوه بر ناکامی، ریشه‌های دیگری نیز دارد. حتی «نظریات ژنتیکی» خشونت نیز دلیل رشد پرخاشگری را در واقعیت‌های اجتماعی و شرایط فرهنگی - محیطی جست‌وجو می‌کنند. کنراد لورنتز<sup>\*\*</sup> (۱۹۸۹-۱۹۵۳) در کتاب درباره پرخاشگری<sup>\*\*\*</sup> (۱۹۹۶) می‌نویسد: «نوعی ریشه ژنتیک در رفتارهای خشونت‌آمیز انسان وجود دارد که به وسیله پیرامون تحریک می‌شود»<sup>۵</sup>.

طبق آنچه گفته شد، فرهنگ خشونت که در بسترهای اجتماعی - سیاسی ریشه دوانده، در صحنه پاکستان، انگیزه و ریشه خشونت‌ورزی است. براساس نظریه فرهنگی خشونت، ذهنیت‌ها، عقاید، اسطوره‌ها و باورهای موجود در هر جامعه‌ای به نوعی زمینه‌ای فرهنگی ایجاد می‌کنند که بروز یا عدم بروز خشونت سیاسی را تقویت یا تضعیف می‌کند.<sup>۶</sup> در معنای موسع، نظریه فرهنگی خشونت حتی زمینه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و تکنولوژیکی خشونت را شامل می‌شود. در مطالعات انسان‌شناسی، تلاش شده است با بهره‌گیری از دو مفهوم مهم «شخصیت‌شناسی»<sup>\*\*\*\*</sup> و «الگوهای فرهنگی»<sup>\*\*\*\*\*</sup> تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر رفتار خشونت‌آمیز بررسی شود. این دسته از مطالعات شاخصه‌های فرهنگی خشونت را در «روان‌شناسی شخصیتی، آموزه‌های مذهبی و قومی و باورهای

\* Frustration-aggression

\*\* Konrad Lorenz

\*\*\* On aggression

\*\*\*\* Characterology

\*\*\*\*\* Cultural samples

سنتی و متعصب» جست‌وجو می‌کنند. خشونت ذاتاً پدیده‌ای جمعی است نه فردی و اجتماعی است نه غیراجتماعی. مطالعات انسان‌شناسی نشان می‌دهد خشونت ساختاری فرهنگی دارد و بر مبنای فرهنگ تفسیر می‌شود. برخی مردم اساساً از نظر فرهنگی، خشونت را تأیید می‌کنند که در میزان گرایش آنها به خشونت مؤثر است.<sup>۷</sup> از دیدگاه انسان‌شناسی، خشونت، روشی برای بروز اخلاقیات و تعلقات مختلف انسان‌هایی است که در بسترهای مختلف فرهنگی و اجتماعی زندگی می‌کنند. هم‌چنین مطالعات انسان‌شناختی اخیر به فهم ما از نقش فرهنگ در مشروعیت‌دهی به خشونت کمک می‌کند.

مطابق تحلیل‌های فرهنگی خشونت، ساختار فرهنگی اجتماع انسانی که از تعامل افراد شکل می‌گیرد و غالباً محصول نوعی فرایند تاریخی است، «ایستارها و ارزش‌های اساسی جوامع را در قالب منظومه‌ای پیچیده از نهادها و فرایندهای فرهنگی متجلی می‌سازد»<sup>۸</sup> که جهت‌گیری خاصی به رفتار افراد می‌دهد. چنین ساختارها و فرایندهایی را به سهولت و سرعت نمی‌توان دگرگون کرد.

در این نوشتار، فرهنگ امری انتزاعی - عینی تلقی می‌شود که به افراد معنایی نمادین می‌دهد و رفتار انسان‌ها به شدت متأثر از آن است. این امور ترکیبی شامل عقاید، اندیشه‌ها، آداب، شیوه‌ها، نهادها، باورها، رسوم و امثال آن می‌شود. این شاخصه‌ها در تعامل با شرایط متغیر و تحولات سیاسی موجود، نوعی هویت مذهبی - اجتماعی محسوب می‌شوند.

پیامد فرهنگ خشونت، خشونت فرهنگی است که می‌توان آن را انکار هویت، امنیت و معنای نمادین حیات گروه<sup>۹</sup> تعریف کرد. این خشونت زمانی تشدید می‌شود که سنت و هویت یک گروه با مداخله عناصر بیرونی به ویژه عوامل سیاسی - امنیتی دستکاری شود و تغییر یابد و علیه هویت گروهی دیگر برانگیخته شود. استحاله، تغییر و تحریف بنیان‌های اعتقادی و تزریق خرافه‌ها و اساطیر به درون باورهای فکری و مذهبی یک فرقه یا گروه مذهبی ممکن است منابع سرشاری برای خشونت و ویرانگری باشد. به نظر می‌رسد به لحاظ گونه‌شناسی خشونت در پاکستان، به ویژه آنچه علیه شیعیان این کشور در جریان است، خشونت فرهنگی رساترین تعبیر باشد؛ به خصوص که این نوع خشونت‌ورزی ریشه‌های عمیقی در بسترهای فرهنگی - اجتماعی جامعه پاکستان دارد.

### سنخ‌شناسی خشونت‌های فرقه‌ای پاکستان

تاریخ و سابقه روان‌شناسی سیاسی جامعه چندقومی پاکستان نشان داده است «چالش‌های هویتی»

رایج‌ترین گونه خشونت در پاکستان است. به نظر می‌رسد خشونت‌های فرقه‌ای پاکستان نیز عمدتاً در چارچوب «منازعات هویتی»<sup>\*</sup> قرار می‌گیرد. هر کجا مؤلفه‌های قومی - مذهبی، عشیره‌ای یا اختلاف‌های زبانی - نژادی حاکم باشد، این نوع خشونت زمینه ظهور بیشتری دارد. «این‌گونه منازعات اغلب آمیزه‌ای از «هویت» و «امنیت‌جویی» را هدف قرار می‌دهند.»<sup>۱۰</sup>

مهم‌ترین اجزا و عناصر «خشونت‌های هویتی» کشمکش‌های داخلی قومی - اقلیتی، ادعاهای مذهبی، هراس افکنی فرقه‌ای و برتری‌جویی ایدئولوژیک هستند. منازعات فرقه‌ای - مذهبی فراگیرترین و خشن‌ترین نوع کشمکش هویتی است. باورهای مذهبی بعد اعتقادی - فکری هویت را که «نمود پایا از شخصیت» فردی معتقد و متعصب محسوب می‌شود، دربرمی‌گیرد.

نظام باورهای دینی به صورت هسته معنایی فرد دیندار عمل می‌کند و زندگی را برای وی قابل پیش‌بینی می‌سازد و اعتماد و اتکای مضاعفی به او می‌بخشد. فرد به پشتوانه این شرایط، احساس آرامش و امنیت می‌کند. بنابراین، «هویت مذهبی» برخلاف «هویت قومی» فراتر از عنصری روان‌شناختی - اجتماعی عمل می‌کند. در این شرایط، خشونت زمانی رخ می‌دهد که روند وقایع حاکی از به خطر افتادن هسته معنایی هویت فرد معتقد باشد یا دست‌کم آن فرد این‌گونه احساس کند. در این حالت، واکنش‌های تهاجمی یا تدافعی معطوف به احتراز از نابودی مادی یا معنوی، شکل می‌گیرد.<sup>۱۱</sup> در این میان، سیاسی شدن هویت‌های مذهبی مختلف، بسیاری اوقات قدرتی اسطوره‌ای به آنها بخشیده است. این قدرت‌یابی، واکنش جدی «دیگران» و «هویت‌های رقیب» را برمی‌انگیزد؛ آن‌گونه که احیای قدرت تأثیرگذاری شیعه در منطقه و به تبع آن در پاکستان، گرایش‌های ضدشیعی این کشور را بیش از گذشته به سمت سیاسی شدن سوق داده است. در حال حاضر، جریان‌های وهابی - دیوبندی (طالبان و القاعده) در مناطق دور و نزدیک پاکستان، رشد هویت‌های «غیرخودی» را خطری برای «هسته معنایی هویت»<sup>\*\*</sup> خود می‌دانند.

امروز «منازعات هویتی» در پاکستان با درونمایه فرقه‌گرایانه و قوم‌مدارانه عمیقاً با سایر نزاع‌های داخلی این کشور آمیخته شده است. در جامعه‌ای سنتی مانند پاکستان، اساطیر و باورهای اولیه، تصورات از دشمن و نفرت از دیگران محرک‌های مناسبی برای خشونت هستند. این مبانی خشونت‌ورزی عمدتاً تصلب و ایستایی آزردهنده‌ای دارند. فقدان پویایی و روایی این چارچوب‌ها موجب تنش‌زایی مداوم شده است.

\* Identity Conflicts

\*\* Identity Meaning Core

### مبانی فرهنگ خشونت در پاکستان

از دلایل خشونت در پاکستان وهابیزه شدن کشور، گسترش دیوبندیسم، سیاست‌های اسلامیزه کردن ژنرال ضیاءالحق، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اشغال افغانستان به دست شوروی، راهبردهای سیاسی - امنیتی بین‌المللی<sup>۱۲</sup> و... است. به نظر می‌رسد برخی از این تحلیل‌ها مناقشه‌ساز هستند؛ زیرا همه این رخدادها و عوامل معلول علتی دیگرند و مستقیم در خشونت‌پروری در پاکستان نقش ندارند. آنچه باعث شده علت یادشده قادر به تأثیرگذاری بر جامعه پاکستان باشند، بسترهای فرهنگی - اجتماعی نسبتاً ذاتی پرخاشگری در زندگی قومی - قبیله‌ای پاکستان است. در واقع، همه این تحولات ضمن بهره‌گیری از مقوله‌ای به نام «فرهنگ خشونت» در پاکستان، خود موجب تعمیق و گسترش آن شده‌اند.

علاوه بر نظریات قبلی مرتبط با ریشه‌های خشونت، «باندورا» نظری مهم با عنوان «فراگیری اجتماعی»<sup>\*</sup> دارد که برخلاف نظریه‌های مربوط به انگیزه‌های درونی تهاجم (ذاتی بودن خشونت) یا تبیین تهاجم به عنوان واکنش در برابر شرایط محرومیت‌ساز (ناکامی - پرخاشگری)، علت رفتارهای خشونت‌آمیز را محیط تعلیمی افراد می‌داند.<sup>۱۳</sup> فراگیری در شرایط مستقیم و مشاهده‌های فردی انجام می‌گیرد. برای تبدیل مشاهده به رفتار، باید آن رفتار در ذهن فرد ثبت شود. آن‌گاه عناصر ثبت‌شده ذهنی به رفتار مشهود تبدیل می‌شود. در این شرایط، خشونت‌ورزی محصول فرایند تبدیل «ذهنیت» به «عینیت» است. افراد باورهای گوناگون درباره توانایی‌های خود دارند که در طول زمان در محیط زندگی آنان شکل گرفته است. این باورها بر این واقعیت که افراد چگونه رفتاری را به نمایش می‌گذارند یا چه رفتاری را در آینده می‌توانند داشته باشند، تأثیر می‌گذارد. بدیهی است افرادی که به کارگیری خشونت و رفتارهای خشن را غرور و افتخار می‌دانند، برای کسب رضایت متوجه این‌گونه رفتارها می‌شوند. افرادی که در چنین محیطی به روش مشروع قادر به کسب وجهه اجتماعی مد نظر نیستند، خشونت پیشه می‌کنند.

فرهنگ قومی - قبیله‌ای پاکستان مبتنی بر رقابت محض است. رقابت بر سر منابع، مراتع، املاک و آب، تسلط از طریق زور و شرایط سخت رقابتی، تسامح و تحمل را از بین برده و روحیه‌ای خشن و جسور به افراد قبیله داده است. در قاموس این افراد، قدرت، غیرت و خشونت به یک معنا تفسیر شده که همان انعطاف‌ناپذیری در مقابل رقباست. از فرهنگ قبیله‌ای که هم‌اکنون در برخی مناطق

\* Social learning



پاکستان حاکم است و هنوز رنگ و بوی اعصار بدوی را دارد، انتظاری جز خشونت نیست؛ زیرا هنوز هم باور «قدرت برتر از دهانه لوله تفنگ بیرون می‌آید» در تفکر بسیاری از سران قبایل وجود دارد و زور و اسلحه ساده‌ترین و کارگشایترین ابزار اعمال قدرت و ابراز وجود است.

حوزه خشونت‌ورزی و بی‌ثباتی کنونی در پاکستان انطباق معناداری با جغرافیای قبیله‌ای پشتون‌ها دارد. امروز مناطق هفت‌گانه قبایلی پاکستان که قبایل مختلف پشتون را در خود جای داده است، به کانون خشونت‌های ضد شیعی و «ژئوپولیتیک تروریسم فرقه‌ای» تبدیل شده است.

مطالعه درباره فرهنگ‌های قومی نشان داده است در هر فرهنگی، طیفی از پدیده‌های فرهنگی وجود دارد که براساس الگویی مشخص با یکدیگر در ارتباط هستند و جهت‌گیری خاصی دارند. این سوگیری‌های خاص، به آن فرهنگ، هویتی ویژه می‌دهد که تقریباً در رفتار همه افرادش قابل تشخیص است. اعضای قبایل پشتون در محیطی رشد کرده‌اند که رنج و مصیبت، عذاب و درد و نزاع و مشاجره در آن به وفور دیده می‌شود. لذا قهرمان بودن، قاطعیت داشتن، احساساتی بودن، قالب‌های فکری متعصب و متصلب، نظام آموزشی و ارتباط جمعی بسته و سنتی از عناصر مهم فرهنگ خشونت‌پرور است. «جامعه قبیله‌ای پشتون جاه‌طلب، خشن و در بیان احساسات خود بسیار تندروست. در این‌گونه جوامع قبیله‌ای خشونت و نمایش خشونت‌بار قدرت همواره ارزشی بزرگ به حساب آمده است.»<sup>۱۴</sup> در نتیجه، این جوامع آمادگی بیشتری برای سقوط در فرایندهای خشونت سیاسی داشته‌اند.

پدیده طالبانیسم نیز در چنین بستری روییده است. پس از عجزین شدن آموزه‌های ایدئولوژیکی خشن وهابیت با انگاره‌های فرهنگی - اجتماعی پشتونیسم، تفکر طالبانی نضج گرفت و تقویت شد. نوع رفتار طالبان نشان می‌دهد که آموخته‌اند شورشگر و قانون‌گریز باشند. جهاد، شهادت و اسلحه مهم‌ترین واژگان نظام باورها و ارزش‌های سنتی آنهاست. «لطیف آفریدی» از خان‌های قبایل پشتون، این وضعیت را چنین تشریح می‌کند: «یک پشتون زمانی که از خانه بیرون می‌رود کلاشینکف خود را همراه دارد؛ همان‌گونه که یک غربی وقتی از خانه بیرون می‌رود، موبایلش را با خود می‌برد. آنها جنگیدن را از زمانی که تازه راه رفتن را می‌آموزند، فرامی‌گیرند.»<sup>۱۵</sup>

به نظر می‌رسد هسته‌های افراط‌گرایی در پاکستان، به ویژه طالبان و سایر گروه‌های اسلامی تندرو همسو با آنها، علاقه‌ای وافر به حملات انتحاری دارند و «شهادت» از طریق انفجار جلیقه‌های انفجاری را عالی‌ترین جهاد می‌دانند. حدود یک میلیون جوان زیر بیست سال در مناطق قبایلی پشتون نشین با خود اسلحه حمل می‌کنند. در سال ۲۰۰۷ بیش از پنجاه حمله انتحاری در افغانستان و پاکستان رخ داد<sup>۱۶</sup> که عاملان آنها از میان همین نسل جدید انتخاب شده بودند.

نسل جدیدی که امروز در کنار طالبان می‌جنگند، علاوه بر آموزه‌های قبیله‌ای، تحت تأثیر «فرهنگ جهادگرایی» و تحولات ناشی از آن رشد کرده‌اند. تحولات راهبردی درون و پیرامون مناطق پشتون‌نشین پاکستان طی دو دهه، موجب شده بود مدت‌ها از سرمایه فکری نسل جوان افغانستان و پاکستان برای آموزش مفاهیم افراطی‌گری و خشونت‌ورزی در راستای اهداف «اسلام انگلیسی»<sup>\*</sup> و امریکایی بهره‌برداری شود. بسیار سخت خواهد بود در آینده نزدیک، این نسل بتواند از قید و بند این مفاهیم و فرهنگ خشن آزاد شود.

به نظر می‌رسد بر اذهان نسل جدید طالبان این‌گونه حک شده است که اعمال و رفتار خشونت‌بار به مثابه ملزومات جنگی نه تنها مردود نیست، بلکه موجه است. از دیدگاه مردمان قبیله که همواره خود را در برابر رقبا و دولت مرکزی آسیب‌پذیر می‌دانند، جنگ و خشونت پدیده‌ای ضروری برای بقای اجتماعی تلقی می‌شود. لذا یک عنصر قبیله باید توان اعمال خشونت را داشته باشد تا بقا یابد.

### ژئوپولیتیک شیعه در پاکستان

به لحاظ ترکیب جمعیت، شیعه یکی از مذاهب متنوع اسلامی در پاکستان است و شیعیان بین تمام اقوام و نژادهای پاکستان حضور دارند. از این رو، در سراسر این کشور پراکنده شده‌اند و بخش عمده‌ای از جمعیت هر قوم، قبیله و شهری را تشکیل می‌دهند. هم‌چنین پراکندگی وسیع، مهم‌ترین نقطه ضعف شیعیان محسوب می‌شود.<sup>\*\*</sup> از بندر کراچی در سواحل جنوبی تا دورافتاده‌ترین روستاهای واقع در دره‌های مناطق شمالی (گلگیت و بلتستان) گاهی اکثریت یا نیمی از جمعیت برخی شهرها و مناطق را شیعیان تشکیل می‌دهند. پراکندگی شیعیان موجب می‌شود که خود یا دولت مرکزی قادر به اعمال سیاست‌های منسجم نباشند. این پراکنش از یکپارچگی و تأثیرگذاری آنها در تحولات کشور می‌کاهد.

مناطق شمالی<sup>\*\*\*</sup> و کشمیر آزاد حوزه نفوذ تاریخی شیعیان امامیه و اسماعیلیه پاکستان هستند. ۹۰

\* به این مفهوم در سطرهای بعد پرداخته شده است.

\*\* شاید پراکندگی شیعیان موجب پراکنشی اندیشه و منطق شیعی در سایر مناطق پاکستان شود. در این صورت، این پراکندگی نوعی نقطه قوت تلقی می‌شود.

\*\*\* مناطق شمالی پاکستان شامل گلگیت، غدر، دیا، بلتستان و گانچه، جزو مناطق خودمختار تحت اداره دولت مرکزی هستند. در این مناطق حدود یک میلیون و پانصد هزار نفر زندگی می‌کنند.

درصد جمعیت کارگیل در جامو و کشمیر (حدود ۱۰۰ هزار نفر) و حدود یک میلیون نفر در گلگیت و بلتستان شیعه‌اند. قریب به اتفاق ساکنان بلتستان و بیش از نیمی از جمعیت گلگیت شیعه‌مذهب‌اند.<sup>۱۷</sup> در ایالت پنجاب، جمعیت زیادی از شیعیان به سر می‌برند. در لاهور حدود یک میلیون نفر و در مولتان نیز ۳۰ درصد جمعیت شهر شیعه‌اند. کراچی نیز جمعیت زیادی شیعه (حدود ۲۵ درصد جمعیت شهر) را در خود جای داده است که بوه‌رها، خوجه‌ها و امامیه را شامل می‌شوند.<sup>۱۸</sup> کویته نیز از مراکز حضور شیعیانی از اقوام مختلف هزاره، پنجابی، قندهاری، گلگتی و بلتی است. پاراچنار، کوهات (قبیله بنگش)، هنگو، دیره اسماعیل خان و اروکزئی از مراکز عمده تجمع تشیع در ایالت سرحد و مناطق قبایلی به شمار می‌روند. در میان قبایل بلوچ، تنها قبیله دمبکی\* خود را شیعه می‌خواند. در ایالت بلوچستان در مناطق لورالایی، قلات و کچهی تعدادی محدود شیعه سکونت دارند.

### سبب‌شناسی خشونت‌های ضد شیعی در پاراچنار

مسلمانان پاکستان که قبل از جدایی از هندوها در ۱۹۴۷ مرزبندی شفاف درون دینی نداشتند و خود را در قالب هویتی واحد در برابر اکثریت هندو تعریف می‌کردند، پس از استقلال، دچار گسست‌های فرقه‌ای - مذهبی شدند و هم‌اکنون وضعیت بغرنجی را تجربه می‌کنند. در این میان، شیعیان پاکستان به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت این کشور، لطمات و صدمات جبران‌ناپذیری از افراط‌گرایی وهابی - دیوبندی متحمل شدند. توزیع نامتوازن جغرافیایی - جمعیتی و تعدد فرقه‌ی شیعه تاکنون مانع تشکیل کانون و نقطه تمرکز فعالیت‌ها و اجتماعات شیعیان شده است.

نخستین خشونت فرقه‌ای در پاکستان علیه شیعه اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط گروه «سواد اعظم اهل سنت» به رهبری مولوی سلیم‌الله خان در منطقه لالوکھیت (لیاقت آباد کنونی) واقع در کراچی انجام گرفت.<sup>۱۹</sup> در این حمله شیعیان زیادی به شهادت رسیدند. پس از آن نیز خشونت‌های فرقه‌ای دیگری علیه شیعیان پاکستان در مناطق مختلف روی داد که اوج آن دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بوده است. در سال‌های اخیر نیز بار دیگر خشونت علیه شیعه آغاز شده که اوج آن ابتدای سال ۱۳۸۷ در پاراچنار بوده است. اکنون توحش فرقه‌ای شدیدی در این ناحیه در جریان است.

پاراچنار تنها منطقه قبایلی پاکستان است که با سه استان افغانستان (ننگرهار، پکتیا و خوست) مرز مشترک دارد. مرزهای شرقی آن نیز به مناطق قبایلی وزیرستان شمالی، اورکزئی و شهر هنگو امتداد

\* Dombki

می‌یابد. از جمعیت هشتصد هزار نفری کُرم ایجنسی پانصد هزار نفر شیعه هستند.<sup>۲۰</sup> منطقه کُلم می‌تشکل از دو قوم «طوری» و سادات است. هم‌اکنون سه قبیله اصلی این منطقه، «طوری»، «منگل» و «جاجی» همگی پشتون‌اند. در این میان فقط «طوری‌ها» شیعه‌مذهب و بقیه سنی هستند. قبیله «منگل» جزء مهاجران افغان به شمار می‌رود. تشیع در قرن چهارم هجری در منطقه پاراچنار رواج پیدا کرد. سطح سواد مردم این منطقه در مقایسه با سایر مناطق قبایلی بالاتر است و حتی در حد پیشاور برآورد می‌شود. ژئوپولیتیک پاراچنار بسیار استثنایی است. این منطقه شیعه‌نشین علاوه بر مجاورت با سه ولایت افغانستان، مانع یکپارچگی تروریسم و ژئوپولیتیک خشونت در مناطق قبایلی شده است.

در دهه ۹۰ که طالبان در افغانستان قدرت گرفتند و پایگاه‌های متعددی در اختیار سپاه صحابه و لشکر جهنگوی گذاشتند، این گروه‌ها در افغانستان با القاعده و عرب افغان‌ها آشنا شدند و آموزش نظامی و افراطی‌گری دیدند. آنها حتی در کشتار شیعیان مزار شریف با طالبان همکاری کردند.

حضور اکثریت فعال شیعه در پاراچنار که تأثیری چشمگیر در منطقه دارند، دشمنی طالبان و القاعده را علیه آنان برانگیخته است. در حال حاضر، دو تشکل اصلی شیعی و سنی (یزیدی) در پاراچنار فعال‌اند. «انجمن حسینی»، تشکلی شیعی از قبیله طوری‌ها، و «انجمن فاروقیه» به رهبری «عید نظر منگل»<sup>\*</sup> از قبیله منگل‌ها، تحرکات سیاسی دو طرف را رهبری می‌کنند. طرفداران این دو تشکل درگیری‌های متعددی در پاراچنار داشته‌اند که عمدتاً مسبب آن «انجمن فاروقیه» بوده و از تحرکات بیرونی تأثیر پذیرفته است. حدود دو سال از محاصره منطقه پاراچنار می‌گذرد و طی این مدت (از اوایل ۲۰۰۷) حدود ششصد شیعه در زد و خوردهای مختلف شهید شده‌اند. حمله به مسافران و کشاورزان، آتش زدن خانه شیعیان، محاصره کامل شهر پاراچنار، گردن زدن جوانان و سربازان شیعه، مثله کردن رانندگان شیعه و... از جمله حوادث اتفاق افتاده در این منطقه در دو سال اخیر بوده است.

سلیم خان، فرماندار کُرم ایجنسی، پیش از این گفته بود: «در سال ۲۰۰۷ نقشه پاراچنار تغییر

\* گفته می‌شود وی از شیفتگان یزید است و ادعا می‌کند هر کس که می‌خواهد یزید را ببیند، نزد او برود. از جمله شعارهای طرفداران وی عبارت است از: «منافقین کوفه مرده باد»، «حسینیت مرده باد»، «یزیدیت زنده باد»، «علی و معاویه برادر، برادر». از این رو به «عید نظر»، «یزید نظر» و به پیروانش یزیدی اطلاق می‌شود. (<http://www.shianews.org> (۸۶/۳/۹))

خواهد کرد.»<sup>۲۱</sup> به نظر می‌رسد حضور شیعیان پاراچنار در قلب مناطق قبایلی خوشایند القاعده، طالبان و حامیان آنها در دولت و ارتش پاکستان نیست. لذا بحث تغییر نقشه منطقه با آنچه اکنون در حال وقوع است، قابل درک است. حتی در یکی از زد و خوردها مشخص شد پانصد نفر از اعضای القاعده که عمدتاً خارجی بوده‌اند (ازبک، عرب، افریقایی و هندو) برای نبرد با شیعیان به این منطقه فرستاده شده‌اند. مواضع یکی از رهبران سپاه صحابه به خوبی وضع را توصیف می‌کند: «ما و جنبش‌های جهادی دیگر سال‌ها در کشمیر علیه هندی‌ها جنگیده و آزموده شده‌ایم. بنابراین، شیعیان پاراچنار در برابر ما عددی نیستند و در جنگ بعدی نشان خواهیم داد جنگ واقعی چیست.»<sup>۲۲</sup> این مواضع دقیقاً یک سال قبل از بحران ۲۰۰۸ پاراچنار اتخاذ شده است.

آنچه در پاراچنار رخ داده، نوعی «تسویه مذهبی خونین» و «پاکسازی مذهبی - فرقه‌ای» است. طی دو سال اخیر نسل‌کشی شیعیان به سرگرمی «یزیدی‌های» پاراچنار تبدیل شده است. یزیدی‌ها خواسته‌های مختلفی مطرح می‌کنند: انتقال مرکزیت منطقه کرم ایجنسی از شهر شیعه‌نشین پاراچنار به شهر سنی‌نشین «سده»، جایگزینی نیروهای سنی از سایر مناطق قبایل سنی‌نشین و تندرو به جای نیروهای پلیس و عدم ضمانت سنی‌ها برای حفظ راه‌ها و عدم تعرض به مسافران شیعه.<sup>۲۳</sup>

در حال حاضر، ائتلافی از افراط‌گرایان سلفی‌های تکفیری، یزیدی‌ها،\* القاعده، طالبان محلی، سپاه صحابه و لشکر جهنگوی در منطقه قبایلی شکل گرفته است و عملاً وارد جنگی تمام‌عیار و نابرابر با شیعیان پاراچنار شده‌اند. به علت ضعف دولت مرکزی، هر روز تهدیدهای این «ائتلاف افراطی» و «خشونت‌محور» علیه شیعیان افزوده می‌شود. این فجایع به معنای واقعی، جنگی لجام‌گسیخته است؛ چون خشونت و بی‌رحمی در آن هیچ حد و اندازه‌ای ندارد و از سوی دیگر، دولت، رسانه‌ها و نخبگان پاکستان و سایر محافل جهانی دست نیروهای جنگ‌طلب و خون‌ریز را در این میدان باز گذاشته‌اند.

در مجموع می‌توان علل و عوامل ذیل را به عنوان بسترهای تداوم خشونت علیه شیعیان پاکستان به ویژه پاراچنار ذکر کرد:

۱. تلاش حامیان فرامنطقه‌ای «جریان افراط» در ایجاد نوعی «هویت جمعی» بین گروه‌های مختلف تندرو در جنوب آسیا؛ معرفی شیعیان به عنوان «عنصری مزاحم»، خشونت علیه آنان را توجیه

\* یزیدی‌ها شامل افراط‌گرایانی می‌شوند که علناً به حمایت از یزید بن معاویه می‌پردازند و به مقدسات شیعه به ویژه «امام حسین(ع)» اهانت می‌کنند. سلفی‌های تکفیری نیز گروهی از وهابی‌های ستیزه‌جو هستند که جزو هواداران القاعده‌اند و هر فردی غیر از مسلمانان پیرو سلف صالح، حتی مسلمانان شیعه را کافر می‌دانند. لذا قتل آنها را واجب می‌شمارند.

می‌کند، زیرا هرگاه مانعی بین فرد و اهداف وی قرار گیرد، انرژی بیشتری بسیج می‌شود. بسیج این انرژی در صورت تداوم و عدم موفقیت عمدتاً در قالب رفتارهای خشونت‌بار بروز می‌کند. حالت یأسی که به ویژه به افراد متعصب به علت ناتوانی در دستیابی به اهداف، ارزش‌ها و آرزوهای اجتماعی دست می‌دهد، انگیزه‌ای قوی برای حمله به هر مانعی است که بر سر رفتارهای هدفدارشان قرار گیرد. هر نوع پرخاشگری به تخلیه انرژی پرخاشگر یا کاهش انگیزش پرخاشگری می‌انجامد. از سوی دیگر، با هدایت انگیزه‌ها و رفتار پرخاشگرانه گروه‌های طالبان محلی پاکستان به سوی اعضای غیرخودی به ویژه شیعیان، تخاصم میان اعضای گروه خودی کاسته می‌شود و انسجام درونی فزاینده‌ای می‌یابند. از یک سو، افراط‌گرایان پاکستان، شیعیان را همراه دولت و امریکا می‌دانند که از سرکوب القاعده خشنودند و از سوی دیگر، طالبان پاکستان، تفکر شیعی را مانعی بزرگ در برابر تلاش خود در حاکم کردن نظام سیاسی مبتنی بر شریعت‌شان تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد در فرایند خشونت‌ورزی در پاکستان نوعی جابه‌جایی در اهداف و روش‌ها رخ داده است، به گونه‌ای که حملات علیه امریکا کاهش یافته و متوجه دولت پاکستان و شیعیان این کشور شده است. این حملات غالباً از نوع عملیات انتحاری است.

۲. همکاری نهادهای امنیتی پاکستان با طالبان در کشتار شیعیان؛ سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی‌اس‌آی) با به کارگیری افسران بازنشسته ارتش در پست‌های دولتی مناطق قبایلی به ظاهر مقابل طالبان ایستاده، اما با نادیده گرفتن عامل حملات فرقه‌گرایانه در واقع به آنها کمک می‌کند. حتی درخواست شیعیان برای توقف کشتار را نادیده می‌گیرد.<sup>۳۴</sup> به نظر می‌رسد نیروهای دولتی در ناآرامی‌ها دخالت خاصی نمی‌کنند و منتظرند این درگیری با تضعیف شیعیان خود به خود پایان یابد.

۳. تشویق و ترویج شیعه‌کشی توسط گروه‌های افراطی؛ در برخی موارد اعلامیه‌های ضد شیعی در کراچی پخش شده است که بر عقاید و افکار «تکفیری» صحنه می‌گذارد. در این نوشته‌ها تأکید شده است: «کشتن شیعه ثواب زیادی دارد و بر هر مسلمانی واجب است این کافران به ظاهر مسلمان را از بین ببرد. اگر شیعیان مسلمان نشوند، زنان و دخترانشان ربوده خواهند شد.»<sup>۳۵</sup>

۴. مداخله عناصر القاعده که از خارج پاکستان به این منطقه نقل مکان کرده‌اند. در منطقه پاراچنار عناصر خارجی القاعده پاکستان نقشی مهم در کشتار شیعیان ایفا کرده‌اند. اسارت اتباع برخی کشورها چون ازبک، چین، عرب و حتی هندو توسط شیعیان نشان‌دهنده مداخله عناصر «چندملیتی» در این بحران است.

۵. تشتت و واگرایی جریان‌های شیعی پاکستان؛ رقبای مذهبی تشیع از این ضعف بسیار بهره برده‌اند.

«بین شیعیان پاکستان برخی گروه‌های ضد مرجعیت دینی به وجود آمده‌اند. گروه‌هایی نیز عقایدی شبیه اخباریون افراطی دارند. برخی گروه‌ها هم عزاداری را اولین و آخرین هدف می‌دانند. حتی برخی رهبران شیعه در پاکستان به وحدت با اهل سنت، بیش از وحدت درونی شیعیان اهتمام دارند.»<sup>۲۶</sup>

۶. پیوند لشکر جهنگوی و سپاه صحابه با طالبان و تکفیری‌های القاعده و یزیدی‌های کُرم ایجنسی، دامنه عمل و قدرت مانور آنها را در پاکستان علیه شیعیان افزایش داده است. عملیات انتحاری سپاه صحابه علیه شیعیان که کمتر سابقه داشته است، حاکی از این ارتباط‌گیری است.

۷. تجدید سازمان گروه‌های فرقه‌گرا حتی پس از ممنوعیت فعالیت آنها؛ در این راستا نام گروه سپاه صحابه به «اهل سنت و جماعت» تغییر یافته و «احمد لدھیانوی» نیز به عنوان «امیر» آن انتخاب شده است. لشکر جهنگوی هم فعالیت‌های خود را با نام «ملت اسلامی» از سر گرفته است.<sup>۲۷</sup> مشرف فعالیت این گروه‌ها را طبق قانون ضد تروریسم ۱۹۹۷ پاکستان در سال ۲۰۰۱ ممنوع اعلام کرد.

۸. اهداف و طرح‌های راهبردی صهیونیسم بین‌الملل به رهبری امریکا در مناطق مرزی پاکستان و افغانستان؛ توجه ویژه امریکا به مناطق قبایلی پشتون‌نشین پاکستان به ویژه «طرح پشتونستان بزرگ» موجب شده است صهیونیسم بین‌الملل و امریکا با «ائتلاف افراط‌گرایان سلفی - وهابی» پاکستان هدف مشترکی در تضعیف یا دست‌کم حذف یا جابه‌جایی شیعیان از این منطقه پیدا کنند.\* احتمالاً این اشتراک هدف راهبردی در آینده موجب همگرایی آنها در رویارویی با شیعیان پاکستان در سطحی فراتر از پاراچنار شود.

افراط‌گرایان پاکستان در سایه سکوت معنادار دولت مرکزی، رفتار جسورانه دیگری از خود بروز داده‌اند. به باور زعمای افراط‌گرایان در مناطق قبایلی، «شیعیان کافرند و سه راه بیشتر ندارند: یا دست از مذهب خود بردارند و مسلمان شوند، یا ماهیانه مبلغی ثابت به عنوان جزیه بپردازند یا از این مناطق کوچ کنند».<sup>۲۸</sup> بدون تردید، یکی از اهداف افراط‌گرایان مناطق قبایلی در آینده، تغییر بافت جمعیتی - مذهبی این مناطق خواهد بود. تأکید بر کوچ اجباری شیعیان از پاراچنار و دیر اسماعیل‌خان به مناطقی چون پنجاب و کوهات در این راستا انجام می‌گیرد. آنها حتی شیعیان را می‌ربایند و برای آزادی آنها غرامت طلب می‌کنند. بر اثر مقاومت شیعیان در برابر این درخواست‌ها، بیش از دویست تن از آنها در سال ۲۰۰۷ جان خود را از دست داده‌اند.

\* نحوه عملکرد امریکا در افغانستان و پاکستان موجب تقویت افراط‌گرایی در منطقه می‌شود. خشونت ذاتاً زاینده و اشاعه‌یابنده است. لذا در حال حاضر، رفتار خشونت‌بار طالبان، امریکا و القاعده در منطقه به شدت یکدیگر را تقویت و تغذیه می‌کند.

در صورت اصرار افراط‌گرایان بر این‌گونه ایده‌های تندروانه، به نظر می‌رسد شیعیان چاره‌ای جز ایجاد موازنه قوا به روش‌های مختلف اعم از تقویت توان اقتصادی - سیاسی، ائتلاف‌های سیاسی - مذهبی با اهل سنت میانه‌رو و همگرایی درونی ندارند. در این میان، نقص دستگاه امنیتی پاکستان مزید بر علت شده است. با توجه به تجارب و سوابق ساختار نظامی - امنیتی پاکستان در رویکرد دوگانه به طالبان، به نظر می‌رسد این سیستم یا دست‌کم قسمتهایی از آن به شدت تحت نفوذ جریان‌های افراط‌گرا و سلفی - وهابی قرار دارد. لذا تصفیه دستگاه‌های دولتی و مأموران امنیتی کمترین کاری است که دولت مرکزی می‌تواند برای کاهش خشونت‌های فرقه‌ای انجام دهد.

### استعاره‌شناسی خشونت‌های ضد شیعی پاکستان

پیوستگی منطقی پدیده‌ها و فرایندهای عرصه سیاست بین‌الملل، به ویژه در سطوح منطقه‌ای، موجب می‌شود مجموعه رخداد‌های یک حوزه وسیع ارتباطی معنادار با یکدیگر پیدا کنند. بر این اساس، وقوع یک پدیده در کشوری خاص سرنخ‌های راهبردی در سایر بازی‌های جهانی و منطقه‌ای دارد و تحلیل و واکاوی آن نیز جدا از مجموعه تحولات منطقه‌ای - بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. ژئوپولیتیک خفته شیعی که در کانون راهبردی‌ترین منطقه دنیا واقع شده، پس از وقوع انقلاب اسلامی و شوک‌هایی که به ساختار نظام بین‌الملل وارد کرد، قدرت و اثرگذاری ذاتی خود را به نمایش گذاشته است. رخداد انقلاب شیعی ایران و ویژگی‌های منحصر به فرد آن موجب برجسته شدن ویژگی‌های دو نوع دیگر از «گرایش‌های اسلامی» شد که در چهره رقیب جدی این «گفتمان اصول‌گرایانه» قد برافراشتند. این دو گرایش «اسلام امریکایی» و «اسلام انگلیسی» بودند.\* به باور این پژوهش، اگر سکولارهای مسلمان و لیبرال‌های اسلام مسلک، منادی اسلام امریکایی تلقی می‌شوند، سردمداران اسلام انگلیسی بسیار پیچیده، هزار لایه و خشن هستند. به لحاظ کارکردی نمی‌توان مرزبندی شفاف بین این دو رویکرد ترسیم کرد، اما به لحاظ ذاتی و شکلی برخی تمایزات تعیین‌کننده بین آنها وجود دارد. القاعده و طالبان به عنوان میراث‌خواران «وهابیسم»، نماد اصلی اسلام انگلیسی به شمار می‌روند. قدرت‌یابی کانون‌های شیعی در لبنان، عراق و ایران به عنوان مهم‌ترین حلقه‌های کمر بند شیعی دنیا، قبل از هر کس، حامیان اسلام انگلیسی (محور انگلیس، عربستان، طالبان و القاعده) را به شدت به

\* نامیدن برخی گرایش‌های متمایز بین مسلمانان با این‌گونه مفاهیم و عبارات خاص، عمدتاً ملهم از گرایش‌های سیاسی سردمداران آنهاست. اگرچه این مفاهیم بار معنایی خاصی دارند، در اینجا فقط به منظور روشن‌تر شدن مباحث ارائه شده‌اند.



هراس انداخته است.\* شناخت گرایش‌های اسلام انگلیسی نیازمند تبارشناسی وهابیت و نقش انگلیس در شکل‌گیری آن است.<sup>۲۹</sup> در این خصوص توصیف «لرد کورزون» حاکم بریتانیایی هند از وهابیت بسیار گویاست: «این دین عالی‌ترین و پربهاترین دینی است که برای مردم به ارمغان آورده شده است.»<sup>۳۰</sup>

پس از استقلال پاکستان و تعمیق روابط عربستان با این کشور، به ویژه در دوره ضیاءالحق، زمینه‌های گسترش و ترویج وهابیت در پاکستان مهیا شد. از ترکیب وهابیت با قومیت‌گرایی پشتون و مکتب فکری دیوبندیسیم، طالبانیسم در منطقه شکل گرفت. این نیروی سیاسی - نظامی جدید، مهم‌ترین نقش را در رواج و تثبیت فرهنگ خشونت و ترور علیه شیعیان پاکستان ایفا کرده است. حمایت‌های سخاوتمندانه عربستان از ترویج وهابیت در پاکستان در قالب احداث مدارس مذهبی از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی اوج گرفت؛ زیرا غرب و عربستان زبان و ایدۀ انقلاب شیعی را رقیبی برای خود می‌دانند که قادر است «فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار دهد».

شالوده فکری اسلام انگلیسی و اعتقاد آن به کافر و مشرک بودن پیروان سایر مذاهب اسلامی و اقداماتی که در سراسر جهان به خصوص در پاکستان برای تبلیغ بیشتر وهابیسیم به روش‌های مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، حمایت‌های مالی و... انجام می‌گیرد، نتیجه‌ای جز تقویت گروه‌های تروریستی و خشونت‌طلب و افروختن آتش فتنه میان شیعه و سنی و تزاید خشونت و کشتار فرقه‌ای نخواهد داشت. ترویج و تعمیق «اسلام انگلیسی» در دنیا، به طور جدی مهلک‌ترین دشمن تشیع است. این‌گونه گرایش‌ها در حال حاضر طیفی وسیع از تمایلات اسلامی و شبه‌اسلامی را در برمی‌گیرد و بدون تردید، جوهره این گروه‌های ظاهراً اسلامی، چنان که جریان افراط‌گرایی در پاکستان نشان داده، تمامیت‌خواهی و تعصب است.

نفوذ و قدرت فراسرزمینی، غیررسمی و غیردولتی تشیع در سطح منطقه به عنوان بستری بسیار مطلوب برای اعمال «قدرت نرم» نشان داده است که ایدۀ انقلاب اسلامی درباره «ماهیت رفتارها و رویکردهای اسلامی» می‌تواند در دنیای مدرن به عنوان جایگزینی مؤثر و راهبردی در برابر «اسلام انگلیسی - وهابی» و «اسلام امریکایی لیبرال مسلک» مطرح شود و با تقویت عناصر منطقی، معتدل

\* طرح این ایده براساس باور نگارنده مبنی بر ارتباط نزدیک تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر است. به نظر می‌رسد خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان و احتمالاً ایران و افغانستان بخشی از پروسه شیعه‌ستیزی است.

و میانه‌روانه منش سیاسی اسلام‌گرا در پی انسجام درونی دنیای اسلام برآید. لذا واکنش‌های زیادی برانگیخته که بارزترین جنبه آن خشونت‌های فرقه‌ای ضد شیعی در سایر مناطق دنیاست. ژئوپولیتیک شیعه از ایالت اُتارپرادش هند تا سواحل مدیترانه در لبنان را دربرمی‌گیرد. کمربند شیعی روی یکی از مناطق ژئواکونومیکی مهم دنیا قرار گرفته است. حامیان «اسلام غرب‌گرا»<sup>\*</sup> همواره تلاش خواهند کرد به هر روش ممکن اتصال و ارتباط این محور شیعی را قطع کنند. دامن زدن به خشونت‌های فرقه‌ای گزینه‌ای مطلوب در این راستاست.

محور امریکا، اسرائیل، انگلیس و عربستان سعودی با هدف فشار بر ایران، طالبان و القاعده را در حوزه شرقی ایران حفظ و تقویت خواهند کرد. این محور، تجربه‌ای تلخ از موفقیت‌های منطقه‌ای شیعه دارد. لذا تلاش خواهد کرد با تضعیف، سرکوب و فشار بیشتر بر شیعیان منتهی الیه دنیای تشیع، موفقیت ژئوپولیتیک آنها را در این منطقه تضعیف کند و از این طریق مانع قدرت‌گیری شیعه در پاکستان و هند شود. با تداوم این رویکرد، فضای سیاسی - امنیتی پاکستان به قدری برای شیعیان تنش‌آلود و خشونت‌زا خواهد شد که بعید به نظر می‌رسد موفقیت‌های جناح غربی جهان اسلام در حوزه شرق آن تکرار شود. بر این اساس، خشونت‌های ضد شیعی در پاکستان نوعی «حمله پیشگیرانه» علیه هرگونه تأثیرگذاری و قدرت‌یابی شیعیان در این منطقه است.

امروز کشتار شیعیان در پاکستان بیش از آنکه مبین جنگ فرقه‌ای در این کشور باشد، حاکی از تفاوت بنیادین بین رفتارهای سیاسی - اجتماعی دو قشر از پیروان اسلام است. نخست، طیف‌هایی که تشنج و تندروی را برآورده اهداف و نیات راهبردی جهانی و منطقه‌ای امریکا و اسرائیل می‌دانند. این دسته شامل گرایش‌های میانه‌رو اهل سنت (بریلوی‌ها و صوفی‌ها) و شیعیان است. دوم، طیف‌هایی که رفتارهای خشن و اقدامات خشونت‌ساز آنها دقیقاً در راستای اهداف غرب است. القاعده و طالبان عملاً گام در چنین راهی نهادند و در این مسیر هر گروه یا مجموعه مذهبی را که با آنها همراهی نکند، متهم به همکاری با امریکا می‌کنند و بر آنها خشم می‌گیرند.

رمزگشایی از رویکردهای ضد شیعی اسلام انگلیسی در شرق ایران، ارتباط وثیقی با تحولات سیاسی در این منطقه و پیرامون آن دارد. هر اندازه امریکا، عربستان و انگلیس احساس کنند جریان

\* منظور از «اسلام غرب‌گرا» مجموعه گرایش‌های اسلامی متمایل به امریکا و انگلیس است که این دو کشور در ایجاد و تقویت آنها بسیار تلاش کرده‌اند. وهابیت به عنوان مخلوق انگلیس و «سکولاریسم عربی - اسلامی» چون رژیم مصر، نمونه‌های بارز این‌گونه گرایش‌های اسلامی محسوب می‌شوند.

کلی سیاسی در افغانستان و عراق به نفع ایران رقم می‌خورد، فشار خود را بر ایران و جامعه شیعی منطقه خواهند افزود که «خشونت‌های فرقه‌ای ضد شیعی» مخرب‌ترین و مهلک‌ترین بخش این راهبرد خواهد بود.

### نتیجه‌گیری و ملاحظات

رفتارشناسی عناصر مؤثر در خشونت‌های فرقه‌ای پاکستان به اندازه بازیگران این صحنه، پیچیده و بحث‌انگیز است. تجربه تاریخی - سیاسی سرزمینی به نام پاکستان در سه دهه اخیر مشحون پرخاشگری و خشونت در حوزه‌های مختلف قومی - مذهبی بوده است. تحولات کنونی پاکستان این‌گونه تداعی می‌کند که «خشونت» و اسلحه به مؤثرترین و رایج‌ترین ابزار اعمال قدرت در برخی مناطق این کشور تبدیل شده است. «در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ بیش از ۱۸۳۷ حادثه تروریستی در این کشور رخ داده است و ۱۶۶۸ نفر جان خود را از دست داده‌اند. به طور کلی، حدود ۷۰ درصد قربانیان خشونت‌های تروریستی را شیعیان تشکیل می‌دهند.»<sup>۳۱</sup>

اگرچه افراط‌گرایان به اهداف دولتی، نظامی و امنیتی پاکستان نیز توجه نشان می‌دهند، اما اجتماعات و شخصیت‌های سیاسی - مذهبی شیعه هم‌چنان جزو پرشمارترین اهداف حملات «تروریست‌های مذهبی» پاکستان محسوب می‌شوند. صحنه کنونی پاکستان، عرصه تلفیق عوامل و عناصری است که نه تنها توجیه‌گر خشونت علیه اقلیت شیعه است، بلکه آن را تقویت می‌کند. تثبیت «فرهنگ خشونت» و تندروی‌های قومی، فرقه‌ای و قبیله‌ای طی اعصار گذشته از یک سو و «رفتار پرخاشگرانه» طالبان، القاعده و گروه‌های فرقه‌گرای سنی به علت «ناکامی» در تغییر ساختار قدرت و سیاست پاکستان و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر شریعت مد نظرشان از سوی دیگر سبب تندروی و خشونت‌ورزی شدید علیه شیعیان این کشور شده است.

مقوله خشونت از دیرباز به عنوان علامتی دال بر توحش حیات اولیه انسان و به تعبیری، زندگی غیرمتمدنانه بشر در مقابل زندگی اجتماعی مطرح بوده است. اما علمای انسان‌شناسی سعی وافر دارند\* که نشان دهند خشونت نیز تابع ضوابطی است و به مثابه بخشی از فرهنگ تلقی می‌شود. بر این اساس، خشونت کارکردهایی اجتماعی دارد. با توجه به تثبیت «فرهنگ راهبردی خشونت» در مناطق قبایلی

\* در ارتباط با ابعاد فرهنگی خشونت به مقاله و مطالعات «جانانان اسپنسر» در منبع ذیل مراجعه شود: اصغر افتخاری، خشونت و

جامعه، تهران: سفیر، ۱۳۸۰، ص ۲۱.

پاکستان، این منطقه به ویژه در حوزه پاراچنار، به «ژئوپولیتیک خشونت» تبدیل شده است. بدون تردید، اسباب و علل خشونت‌های ضد شیعی را نمی‌توان صرفاً به چنین عواملی تقلیل داد. چه بسا بتوان چنین زمینه‌های فرهنگی مولد خشونت را در کشورهای دیگر نیز یافت، اما آنها گرفتار چنین چرخه‌ای از خشونت نشده‌اند. به نظر می‌رسد برخی محرک‌ها و عناصر مداخله‌گر خارج از سیستم سیاسی پاکستان از این بسترها در راستای نیات و اهداف خود بهره می‌گیرند. در واقع، تکوین و تعمیق خشونت‌های فرقه‌ای علیه شیعیان پاکستان طی فرایندی محاسبه‌شده و هوشمندانه از قوه به فعل درآمده است. عملیاتی شدن این روند را باید در آموزه‌ها، راهبردها، اهداف و جوهره «اسلام انگلیسی» دانست که پاکستان، به ویژه شیعیان این کشور را وارد «معمایی پیچیده» کرده است. از یک سو، افراط‌گرایی به پاکستان تزریق شده و می‌شود و از سوی دیگر، ادعای مبارزه با افراط‌گرایی مطرح است. در این تنگنای پیچیده، پاکستان از دست خواهد رفت و به طریق اولی در سرزمینی که «اسلام انگلیسی» حاکم شود، اولین آماج عقده‌گشایی و کینه‌ورزی تاریخی، شیعیان بی‌دفاع آن کشور خواهند بود. در این راستا، نکات و ملاحظات ذیل مهم به نظر می‌رسد:

۱. در حال حاضر، پاراچنار پاکستان «خط مقدم» خشونت‌های القاعده سلفی - وهابی علیه تشیع است. عقلانیت، منطق و خردورزی جزو مهم‌ترین دقایق گفتمان شیعی است که حاصل آن برخلاف تمامیت‌خواهی و افراطی‌گری «اسلام انگلیسی»، میانه‌روی و اعتدال است. بر این اساس، خشونت القاعده و طالبان علیه شیعیان در سراسر دنیا با هدف سرکوب «منطق شیعی» صورت می‌گیرد و احتمالاً ادامه خواهد داشت.

۲. براساس «نگاره راهبردی» القاعده و جریان‌های همسو با آن که «تکفیر» و «تهدید» است، به نظر می‌رسد «اتلاف تکفیرگرایان» چنان منطق و عقلانیتی ندارد که بتوان مسالمت‌جویانه با آن رفتار کرد. توانمندی شیعیان پاکستان در تمام ابعاد، قادر است نوعی بازدارندگی در برابر افراط‌گرایان ایجاد کند.

۳. پس زده شدن تندروی و افراط از کشمیر و افغانستان به درون پاکستان در حالی که زمانی منافذ تخلیه انرژی رادیکالیسم در پاکستان به شمار می‌رفتند، چشم‌اندازی خشونت‌بار برای پاکستان ترسیم می‌کند. گروه‌های تروریستی منحل‌شده از جمله سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و برخی گروه‌های سلفی - وهابی کشمیری اینک در قالب طالبان پاکستانی گرد آمده‌اند. حدود دوازده گروه با عنوان «طالبان محلی پاکستان» فعالیت می‌کنند که تنها یک گروه در افغانستان علیه امریکا می‌جنگد و بقیه در درون خاک پاکستان فعال‌اند. در چنین شرایطی، شیعیان پاکستان با وضعیتی خطرناک و بغرنج مواجه خواهند بود.

۴. افراط‌گرایی و خشونت در پاکستان به شدت یکدیگر را تقویت می‌کنند. از یک سو، کاربری قدرت سخت‌افزاری امریکا و ناتو در منطقه در راستای به اصطلاح مبارزه با تروریسم خودساخته، بر شدت ضربات و تلفات غیرنظامیان منطقه می‌افزاید و از سوی دیگر، القاعده و متحدانش با ادعای مبارزه با امریکا در این سرزمین ادامه حیات می‌یابند. ظاهراً امریکا و القاعده علیه یکدیگر مبارزه و همدیگر را توجیه می‌کنند، اما در این میان، ترویج خشونت و کشتار در منطقه موجب آسیب‌پذیری شیعیان پاکستان شده است.

#### مشخصات برخی شخصیت‌های مهم شیعی که طی سه سال اخیر ترور شده‌اند

| ردیف | زمان عملیات | کشته‌شدگان               | جایگاه سیاسی - مذهبی                  | محل وقوع عملیات     | نوع عملیات        |
|------|-------------|--------------------------|---------------------------------------|---------------------|-------------------|
| ۱    | ۸۵/۱۱/۶     | ۱۵ کشته از قشرهای مختلف  | -                                     | دهلی دالگران پیشاور | تیراندازی مهاجمان |
| ۲    | ۸۵/۶/۳۰     | سید بشیر حسن بخاری       | رئیس سابق تحریک جعفری در منطقه        | سرگودها (پنجاب)     | تیراندازی مهاجمان |
| ۳    | ۸۵/۱۰/۳     | پروفسور نزاکت علی عمرانی | رئیس بخش مدیریت بازرگانی دانشگاه گومل | دیره اسماعیل خان    | تیراندازی مهاجمان |
| ۴    | ۸۵/۱۱/۲۵    | جواد حسینی               | از رهبران شیعه                        | دیره اسماعیل خان    | تیراندازی مهاجمان |
| ۵    | ۸۵/-/-      | علامه حسن ترابی          | رهبر شیعیان کراچی                     | کراچی               | حمله انتحاری      |
| ۶    | ۸۵/۱۲/۱۷    | انور شاه                 | از رهبران شیعه                        | دیره اسماعیل خان    | تیراندازی مهاجمان |
| ۷    | ۸۵/۱۲/۲۲    | ارشاد عباس               | عضو مهم نهضت فقه جعفری                | دیره اسماعیل خان    | تیراندازی مهاجمان |
| ۸    | ۸۵/۱۲/۲۳    | سید واصف عزیز            | رهبر جمعیت طلاب اسلامی                | کراچی               | تیراندازی مهاجمان |
| ۹    | ۸۶/۱/۱۸     | ۱۰ کشته                  | -                                     | پاراچنار            | درگیری مسلحانه    |
| ۱۰   | ۸۶/۱/۲۰     | ۷۰ کشته                  | -                                     | پاراچنار            | درگیری مسلحانه    |
| ۱۱   | ۸۶/۲/۴      | سید علی شاه              | شخصیت مشهور شیعی                      | دیره اسماعیل خان    | تیراندازی مهاجمان |

|                      |                     |                                      |                          |          |    |
|----------------------|---------------------|--------------------------------------|--------------------------|----------|----|
| تیراندازی<br>مهاجمان | دیره<br>اسماعیل خان | شخصیت مشهور شیعی                     | سید نجف علی شاه          | ۸۶/۲/۴   | ۱۲ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | پیشاور              | رئیس اطلاع‌رسانی سرحد                | مهدی حسینی               | ۸۶/۳/۱۴  | ۱۳ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | دیره<br>اسماعیل خان | شخصیت مذهبی - سیاسی                  | سید زاهدالله             | ۸۶/۵/۲۵  | ۱۴ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | دیره<br>اسماعیل خان | شخصیت مذهبی                          | سید ذاکر حسین شاه        | ۸۶/۷/۱   | ۱۵ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | کراچی               | عضو ارشد نهضت جعفری                  | دکتر محسن رضوی           | ۸۷/۴/۱۷  | ۱۶ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | سبی بلوچستان        | پزشک و فعال سیاسی                    | دکتر ثقلین نقوی          | ۸۷/۱۰/۲۱ | ۱۷ |
| درگیری<br>مسلحانه    | پاراچنار            | -                                    | ۱۶ شیعه از قبیله<br>طوری | ۸۷/۶/۹   | ۱۸ |
| درگیری<br>مسلحانه    | پاراچنار            | فرمانده ارشد قبیله طوری              | رجب علی سرحدی            | ۸۷/۶/۱۰  | ۱۹ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | گلگیت               | نایب رئیس مجلس مناطق<br>شمال پاکستان | سید اسدرضا زیدی          | ۸۸/۲/۱   | ۲۰ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | کوئته               | فرمانده پلیس کوئته                   | حسن علی                  | ۸۷/۱۱/۱  | ۲۱ |
| تیراندازی<br>مهاجمان | کوئته               | رہبر حزب دموکراتیک هزاره             | حسین علی یوسفی           | ۸۷/۱۱/۷  | ۲۲ |

## پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر فکوهی، خشونت سیاسی: نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، تهران: پیام امروز، ۱۳۷۸، ص ۷۵.
۲. John Dollard, Leonard W. Doob, et, "Frustration and Aggression", New Haven: Yale University Press, ۱۹۳۹, P. ۱.
۳. Ibid.
۴. یوسف کریمی، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران، ۱۳۸۴، چاپ یازدهم، ص ۲۰۶.
۵. فکوهی، پیشین، ص ۷۲.

۶. همان، ص ۷۹.
۷. جان‌اتان اسپنسر، «خشونت؛ مشکل در مقام نظریه‌پردازی» در اصغر افتخاری، *خشونت و جامعه*، تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۸، ص ۲۲.
۸. جیمز دوئرتی و فالتز گراف، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس، ۱۳۸۳، ص ۴۴۸.
۹. اصغر افتخاری، پیشین، ص ۱۲۸.
۱۰. همان، ص ۱۲۳.
۱۱. همان، ص ۱۲۴.
۱۲. نوذر شفیعی، «خشونت فرقه‌ای و امنیت انسانی در پاکستان»، دسترسی در: <http://drshafiee.blagfa.com/post-۷۰.aspx>
۱۳. اصغر افتخاری، پیشین، ص ۴۹.
۱۴. فکوهی، پیشین، ص ۸۰.
۱۵. جنیس بورک، «جنگ‌سالاران قبیله‌ای - میلشیا‌های اسلامی»، هفته‌نامه *آبزرور*، اکتبر ۲۰۰۷.
۱۶. <http://www.Etemaad.ir/re/released/۸۷-۱۲-۲۶/۱۹۶.htm>.
۱۷. محمداکرم عارفی، «شیعیان پاکستان»، فصلنامه *شیعه‌شناسی*، س ۱، ش ۳ و ۴، ص ۲۰۴.
۱۸. همان، صص ۲۰۳، ۲۰۴ و ۲۰۵.
۱۹. <http://www.abna.ir> (۸۶/۷/۵).
۲۰. <http://www.shianews.org> (۸۶/۳/۹).
۲۱. سلیمان حیدرپور، «موج تسویه مذهبی در سرحدات پاکستان» دسترسی در: <http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۷/۸۷۰۷۲۴/html.diplomatic.htm>.
۲۲. <http://www.shianews.org> (۸۶/۲/۱۵).
۲۳. <http://www.baztab.com> (۸۶/۲/۵).
۲۴. <http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۸/۸۸۰۱۱۹/html/nation.htm#۹۶۶۴۳۵>.
۲۵. <http://www.Entekhab.ir> (۸۷/۵/۶).
۲۶. <http://www.abna.ir> (۸۷/۱۰/۲۶).
۲۷. <http://www.shianews.org> (۸۶/۳/۱۷).
۲۸. <http://www.farsnews.com> (۸۷/۱۲/۲۴).
۲۹. برای اطلاع بیشتر رک: خاطرات مستر همفر، *دست‌های ناپیدا*.
۳۰. مهری هدهدی، «وهابیت: فرقه‌ای علیه شیعه و سنی» دسترسی در: <http://www.tebyan.net/Religion-Thoughts/Articles/Miscellaneous/۲۰۰۹/۴/۲۰/۸۹۷۷۷.html>.
۳۱. شفیعی، پیشین، دسترسی در: <http://drshafiee.blagfa.com/post-۷۰.aspx>.